



History & Culture

تاریخ و فرهنگ

Vol. 52, No. 1, Issue 104

سال پنجاه و دو، شماره ۱، شماره پیاپی ۱۰۴

Spring & Summer 2020

بهار و تابستان ۱۳۹۹، ص ۲۹-۴۴

DOI: <https://doi.org/10.22067/JHISTORY.2021.69478.1023>

نقش و کارکرد دیوان سالاری آل اینجو (۷۲۵-۷۵۴ق) در شکوفایی فرهنگی و هنری فارس*

دکتر محمد کشاورز بیضایی

دکترای تاریخ دانشگاه تبریز

Email: mbezai@yahoo.com

چکیده

دیوان سالاری آل اینجو، از حیث رویکردهای فرهنگی و هنری، در زمینه‌های تذهیب، کتاب آرایی، نگارگری و معماری و نیز ظهور شاعرانی چون حافظ شیرازی، عبید زاکانی و خواجوی کرمانی دوره‌ای پرتحرک و درخشان را در تاریخ هنر و ادب ایران پدید آورده است. ایجاد بسترهای مساعد برای آفرینش آثار فرهنگی و هنری، بی تردید از مواضع و اقدامات دیوانی این سلسله و کنشگران آن جدا نبوده است. این جستار با روشی توصیفی - تحلیلی کارکرد دیوان سالاری آل اینجو در شکوفایی فرهنگی و هنری و همچنین عوامل مؤثر بر اثربخشی و نقش آفرینی آن را در کانون توجه خود قرار داده است. یافته‌ها بیانگر آن است که کارآمدی مؤثر تشکیلات دیوانی این دوره و اقدامات و مساعی آن در برپایی امنیت، رونق تجارت و رفاه اجتماعی و همچنین حضور و نقش آفرینی وزیران، حاکمان و عناصر دیوانی خبره و هنرنواز، در شکوفایی هنری این دوره تأثیر بسزایی داشته است. افزون بر آن، نشان می‌دهد که خوشنامی، تجارب و خاستگاه دیوانی آل اینجو، معاشرت و هم‌گرایی آنان با خاندان‌ها و عناصر دیوانی و همچنین تساهل و تسامح، سخاوت، عدالت و ایران‌گرایی شاه ابواسحاق اینجو و نزدیکانش، در کنار استمرار خاندان دیوان سالار در شیراز قرن هشتم هجری، عوامل مهمی در نقش آفرینی دیوانیان و استعانت از توانمندی‌های تشکیلاتی آنان در حوزه حکومت‌داری به‌ویژه امور فرهنگی و هنری بوده است.

کلیدواژه‌ها: دیوان سالاری، آل اینجو، شیراز، شکوفایی فرهنگی و هنری.

* مقاله پژوهشی؛ تاریخ وصول: ۱۳۹۹/۱۲/۳۰؛ تاریخ تصویب نهایی: ۱۴۰۰/۰۴/۱۳.

The role and function of Injuids' bureaucracy in cultural and artistic prosperity¹

Dr. Mohammad Keshavarz Beizai, PhD in History, University of Tabriz

Abstract

Injuids' bureaucracy marked a dynamic and brilliant period in the history of Iranian art and literature in terms of its cultural and artistic approaches, especially in fields such as gilding, page layout formatting, painting and architecture, as well as the rise of poets such as Hafez Shirazi, Ubayd Zakani and Khajavi Kermani. The creation of cultural and artistic works cannot be studied without considering the stances and actions of the courtiers and activists in this dynasty. By adopting a descriptive-analytical approach, this paper focuses on the role of Injuids' bureaucracy in cultural and artistic flourishing, as well as the determinants of its influence. The findings suggest that the efficient bureaucratic organization in this period and efforts to establish security, the prosperity of trade and social welfare, along with the strong presence and influence of ministers, rulers, bureaucrats and artists had a great bearing on the artistic prosperity in this period. In addition, it seems that reputation, experiences and origins of Injuids' bureaucracy, their association with bureaucratic families and figures, as well as tolerance, generosity, justice and Iranianism of Shah Abu Ishaq Inju and his relatives together with the sustainability of the bureaucratic dynasty in Shiraz in the eighth century AH have been key factors linked to the impact of bureaucrats and their organizational capabilities in the field of governance, especially cultural and artistic affairs.

Keywords: Bureaucracy, Injuids Shiraz, Cultural and artistic flourishing

مقدمه

در تاریخ ایران، همواره اقدامات و رویکردهای سیاسی و فرهنگی دیوان‌سالاری ایرانی و عاملان آنان در تعیین سرنوشت هنری و فرهنگی این دیار نقش بسزایی داشته و زمینه‌ساز تحولات هنری و فرهنگی بسیاری بوده است. خاندان دیوانی و عناصر آن، در تاریخ ایران، به مثابه شبکه‌ای عنکبوتی و درهم تنیده موقعیت برجسته‌ای در ساختار حکومت‌ها داشته‌اند. اساساً حکومت‌های ایرانی بدون همکاری و مشارکت دیوانیان مانند عناصر تشکیل دهنده ساختار اداری، قادر به مدیریت امور سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جامعه و استقرار نظم و امنیت نبوده‌اند.^۱

سلسله آل‌اینجو، از سلسله‌های محلی فارس در قرن هشتم هجری، در میان فضای متشنج و آشوب‌زده این دوران سربرآورد و هنرمندان بسیاری به خاطر برخورداری از حمایت‌های این سلسله به شیراز روی آوردند و موجب رشد و رونق چشمگیر فرهنگی و هنری آن شدند. طبیعی است که این رشد چشمگیر فرهنگی و هنری مرهون عملکردها و اقدامات دیوان‌سالاران و کنشگران این سلسله بود. آنان توانستند با مدیریتی صحیح و قابل تأمل، اقدامات و ظرفیت‌های لازم را برای فعالیت‌های حجم انبوهی از هنرمندان و شاعران و همچنین تولید و آفرینش آثار مهم و ارزشمند هنری و فرهنگی توسط آنان فراهم کنند. با اینکه عمر این سلسله در فارس چندان نپایید، خاطره درخشان آن - جز بخش پایانی آن - در اذهان مردم از جمله هنرمندان و شاعران این دوره مانند حافظ باقی ماند:

راستی خاتم فیروزه بواسحاقی

خوش درخشید ولی دولت مستعجل بود^۲

اگر اقدامات و مساعی دست‌اندرکاران و حاکمان این سلسله در حق شاعرانی چون حافظ، عبید زاکانی و خواجوی کرمانی نبود، شاید این شاعران از یک شاعر معمولی فراتر نمی‌رفتند و یا در صورت عدم حمایت آنان از دیگر شاخه‌ها و فعالیت‌های فرهنگی و هنری مانند تذهیب، کتاب‌آرایی، نگارگری، معماری، خلق و تولید آثار هنری در زمینه‌های یاد شده امکان‌پذیر نمی‌شد. از این رو، کارکرد و نقش دیوان‌سالاری آل‌اینجو و عناصر آن در این دوره برجسته و قابل توجه بوده است. این مسأله زمانی بیش‌تر درک می‌شود که در نظر بگیریم که این سلسله حکومتی مستعجل بوده است. افزون بر این، باتوجه به منازعات، رقابت‌ها و درگیری‌های خونین و مستمر داخلی و خارجی و همچنین وجود ناامنی‌ها^۳ - که

۱. نک: محمد کشاورز بیضایی، «جایگاه خاندان بدرخان شیرازی در تشکیلات دیوانی، امنیتی، و انتظامی حکومت قاجاریه؛ با تأکید بر میرزا عبدالوهاب‌خان آصف‌الدوله‌ی شیرازی»، مطالعات تاریخ انتظامی، شماره ۱۶ (بهار ۱۳۹۷)، ۱۱۳، ۱۳۰.

۲. شمس‌الدین محمد حافظ، دیوان، بر اساس نسخه تصحیح شده غنی و قزوینی، به کوشش رضا کاکانی دهکردی (تهران: ققنوس، ۱۳۹۴ش)، ۱۹۹.

۳. برای مطالعه بیشتر، نک: Peter, Avery, "Foreword: Hafiz of Shiraz", *Hafiz and the Religion of Love in Classical Persian Poetry*, edited by Leonard Lewisohn (London: I. B. Tauris, pp. ix-xvi. 2010), introduction.

پدیده‌ای پایدار در این دوران بود - این سلسله چندان مجالی برای رونق و اشاعه ادب و هنر نداشت. نظر به اهمیت بحث شناخت نقش و کارکرد دیوان‌سالاری آل‌اینجو در شکوفایی فرهنگی و هنری، این موضوع شایسته درنگی است که چندان به آن پرداخته نشده است. بررسی نقش، کارکرد و اقدامات دیوان‌سالاری آل‌اینجو و عناصر آن در رونق فرهنگی و هنری، افزون بر شناخت نحوه سیاست و کنشگری دست‌اندرکاران دیوانی این سلسله در امر فرهنگ و هنر، می‌تواند عوامل مؤثر بر اثربخشی و نقش‌آفرینی آنان در شکوفایی فرهنگی و هنری این دوره را نیز تبیین و روشن کند.

پژوهش‌هایی درباره هنر و فرهنگ دوران آل‌اینجو صورت گرفته که برخی از آنان از این قرار است: یعقوب آژند در مقاله «تعامل فرهنگ‌های ایرانی، اسلامی و ترکی در شیراز سده هشتم و نهم قمری» نحوه تعامل فرهنگ‌های ایرانی، اسلامی و ترکی را در شیراز سده هشتم و نهم قمری مورد بررسی قرار داده است. مهران هوشیار و وحیده میرزاخانلو در مقاله «ویژگی‌های تذهیب قرآن تاشی خاتون» با تحلیلی ساختاری به شیوه‌ها و ویژگی‌های تذهیب قرآن تاشی خاتون مادر شاه ابواسحاق اینجو پرداخته‌اند. غلامرضا هاشمی و علی اصغر شیرازی در مقاله «تأثیر سنت‌های تصویری ساسانی بر نگارگری مکتب شیراز در عهد آل‌اینجو» تأثیر سنت‌های تصویری ساسانی را بر نگارگری مکتب شیراز در دوره آل‌اینجو مورد بررسی قرار داده‌اند. همچنین درباره نقش دیوان‌سالاری و عناصر آن در شکوفایی هنری و فرهنگی این دوره اشاراتی جسته و گریخته در برخی از منابع به چشم می‌خورد؛ از جمله، جان لیمبرت در کتاب ارزنده شیراز در روزگار حافظ؛ شکوهمندی شهر ایرانی در قرون وسطی در عین پرداختن به طبقات اجتماعی، معرفی خاندان و عناصر سیاسی و دیوانی شیراز عصر حافظ، به تشویق و هنرنوازی وزیران این دوره در امور فرهنگی اشاراتی داشته است. عبدالحسین زرین‌کوب در بخشی از کتاب از کوچه رندان و قاسم غنی در بحث در آثار و افکار و احوال حافظ؛ تاریخ عصر حافظ یا تاریخ فارس و مضافات و ایالات مجاوره در قرن هشتم از رونق و رشد رفاه اجتماعی در شیراز دوره شیخ ابواسحاق اینجو سخن به میان آورده‌اند. چنان‌که گذشت، این آثار چندان به نقش و کارکرد دیوان‌سالاری آل‌اینجو در تحرک و شکوفایی فرهنگی و هنری و همچنین عوامل مؤثر بر آن نپرداخته‌اند. از این رو، این جستار با روشی توصیفی - تحلیلی درصدد پاسخ‌گویی به این سؤالات است که نقش و کارکرد دیوان‌سالاری سلسله آل‌اینجو در رونق و تحرک هنری و فرهنگی و عوامل مؤثر بر فعالیت و نقش‌آفرینی آن چه بوده است؟

به نظر می‌رسد توانمندی و مدیریت صحیح نهاد دیوانی آل‌اینجو و اقدامات آن در برپایی امنیت، رونق تجارت و رفاه اجتماعی شیراز و ایالت فارس، حضور و کنشگری وزیران و عناصر دیوانی کاردان، هنردوست و هنرنواز، در کنار بقا و استمرار خاندان دیوانی در شیراز قرن هشتم، در شکوفایی هنری و

فرهنگی این دوره تأثیر بسزایی داشته است. از سوی دیگر، عواملی مانند وصلت و تعامل خاندان اینجو با خاندان فرهیخته و دیوانی خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی، سخاوت، عدالت، تساهل و تسامح، دانش‌پروری و سیاست ایران‌گرایی شاه ابواسحاق اینجو و نزدیکانش در کنار مهارت، خوشنامی و پیشینه دیوانی این خاندان، زمینه نقش‌آفرینی دیوان‌سالاری آل اینجو و اثربخشی آن در حوزه فرهنگی و هنری را فراهم کرده است.

۱- نگاهی اجمالی به فعالیت‌های فرهنگی و هنری در دوران سلسله آل اینجو

در تاریخ ایران رویکردها و مواضع سیاسی و فرهنگی حکومت‌ها و دست‌اندرکاران دیوانی آنان، همواره در تعیین وضعیت هنری و فرهنگی این مرز و بوم مؤثر بوده است؛ به طوری که رویکرد شایسته و مثبت حاکمان و دیوان‌سالاران، زمینه‌ساز تحولات هنری و فرهنگی چشمگیری در جامعه بوده است. سلسله آل اینجو در طول دوران حاکمیت خود بر فارس بستر مناسبی برای حمایت از هنر و هنرمندان به وجود آورد.

امیر ابواسحاق (حک: ۷۴۴-۷۵۸ق) در مدت پانزده سال فرمانروایی خود در فارس، خود را نمونه یک پادشاه صاحب ذوق، هنرپرور، عشرت‌دوست و همگرا با نهاد دیوان‌سالاری حکومت خود نشان داد، به طوری که غیر از شاعران، دانشمندان نیز به دربار وی راه یافتند و از عطایای وی بهره‌مند شدند.^۱ نه تنها امیر اسحاق، بلکه بسیاری از افراد خانواده و عناصر دیوانی وی در حمایت و تشویق هنرمندان و شاعران می‌کوشیدند. یکی از افراد خانواده شاه ابواسحاق اینجو، تاشی‌خاتون مادر هنردوست و هنرپرور او بود. یکی از مهم‌ترین اقدامات تاشی‌خاتون وقف قرآن سی‌قسمتی به آستان مقدس شاه‌چراغ بود. از میان قرآن‌های منسوب به سلسله آل اینجو قرآن تاشی‌خاتون از ساختار و ویژگی‌های هنری ارزشمندی برخوردار است. در این قرآن عناصر تزئینی از جمله گل‌های ختایی و نقوش اسلیمی در قالبی هندسی قرار گرفته است. این گردش نرم نقش‌های گیاهی و تزیینات ختایی و شکل‌های آزاد طبیعی در کنار نظم هندسی و قالب‌های متداول در کتیبه‌ها در تاریخ کتاب‌آرایی جزو نخستین نمونه‌های ثبت شده تا قرن هشتم بوده است.^۲

در حوزه معماری نیز دستاوردهای هنری سلسله آل اینجو چشمگیر و قابل توجه است. هرچند از معماری و شهرسازی دوران آل اینجو، جز خدایخانه مسجد عتیق و بازار حاجی بناهای زیادی باقی نمانده است. کاخ شیخ ابواسحاق، میدان سعادت‌آباد، سه‌گنبد، مدرسه تاشی‌خاتون^۳، گنبد تاشی‌خاتون بر بقعه

۱. کیانوش معتقدی، «شکوه خوشنویسی و تذهیب در مکتب شیراز»، مجموعه مقالات خوشنویسی مکتب شیراز (تهران: فرهنگستان هنر، ۱۳۹۰ش)، ۲۵۲.

۲. مهران هوشیار و وحیده میرزاخانلو، «ویژگی‌های ساختاری تذهیب قرآن تاشی‌خاتون»، نگره، شماره ۴۰ (زمستان ۱۳۹۵)، ۱۴.

۳. ابن بطوطه، سفرنامه ابن بطوطه، ترجمه محمدعلی موحد (تهران: آگه، ۱۳۷۶ش)، ۲۶۱.

احمد بن موسی (ع)^۱، مدرسه مسعودیه، قصر جعفرآباد، مدرسه مجدییه از دیگر آثار معماری این دوره شمرده می‌شوند که بر اثر زلزله یا گذشت زمان از میان رفته‌اند.

سلسله آل اینجو در اواخر حکومت شاه ابواسحاق اینجو فرجام سیاسی خوشی نداشت و عوامل و عناصری از قبیل واگرایی نیروهای غالب کلوهای^۲ شیراز از شاه ابواسحاق اینجو،^۳ وفات نابهنگام قوام‌الدین حسن وزیر برجسته آل اینجو در اثنای محاصره شیراز توسط امیر مبارزالدین مظفری، طولانی شدن دوره محاصره شیراز و آسیب‌پذیر شدن مقاومت اهالی شیراز^۴ در کنار برخی از سیاست‌های شتاب‌زده شاه ابواسحاق، به فروپاشی و سقوط این سلسله توسط امیر مبارزالدین انجامید. با مرگ سلطان ابواسحاق اینجو در سال ۷۵۸ق/۱۳۵۶م، دوران حکومت آل اینجو بر فارس به سرآمد. سقوط و فروپاشی آل اینجو در زمانی اتفاق افتاد که این سلسله دوران تثبیت خود را آغاز کرده بود و چه بسا اگر حریف بزرگ و قدرتمندی چون آل مظفر را پیش رو نداشت تا چند دهه دیگر در صحنه حکومت‌داری فارس باقی می‌ماند.

۲- دیوان‌سالاری آل اینجو و شکوفایی فرهنگی و هنری

بی‌تردید بخش اعظم شکوفایی فرهنگی و هنری در دوران آل اینجو مرهون و معلول اقدامات، مساعی و کارکرد دیوان‌سالاری این دوره و عوامل مؤثر بر فعالیت و نقش آفرینی آن بوده است که از میان آن می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۲-۱- امنیت و رفاه اجتماعی

امنیت و آسایش اجتماعی در زمره عوامل بسیار مهمی است که ظهور و بروز توانایی‌ها و استعدادها را در هر دوره‌ای امکان‌پذیر می‌سازد. بسیاری از منابع به سیاست‌های درست اقتصادی و اجتماعی شاه ابواسحاق اینجو و دیوان‌سالاری وی در این دوران اشاره کرده‌اند.^۵ در شیراز قرن هشتم قمری شاه و وزیرش در خارج شیراز حکومت می‌کردند و وظیفه اصلی آنان به حفظ امنیت در قلمرو آنان مربوط می‌شد. با این

۱. احمد بن ابی‌الخیر زکوب شیرازی، شیرازنامه، به‌کوشش اسمعیل واعظ جوادی (تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۰ش)، ۱۹۵؛ میرزا حسن حسینی فسایی، فارسنامه ناصری، به تصحیح منصور رستگار فسایی (تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۲ش)، ۱۱۸۶/۲.

۲. Kioū [= کلوک] رئیس محله، کلاتر، رئیس هر صنف از کسبه، مرتبه‌ای در نزد فتیان و اخیان. جمع آن کلویان است، محمد معین، فرهنگ فارسی، (تهران: اشجع، ۱۳۸۷ش)، ذیل واژه کلوک، ۱۰۶۲.

۳. محمود کتبی، تاریخ آل مظفر، به تصحیح عبدالحسین نوایی (تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۴ش)، ۶۳؛ عبدالله بن لطف‌الله حافظ‌ابرو، زیده التواریخ، به تصحیح سیدکمال‌جوادی (تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰ش)، ۲۶۰/۱؛ محمد بن علی شبانکاره‌ای، مجمع الانساب، به تصحیح میرهاشم محدث (تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۲ش)، ۳۱۷/۲.

۴. شبانکاره‌ای، همان، ۲۵۹/۱؛ کمال‌الدین عبدالرزاق سمرقندی، مطلع السعدین و مجمع البحرین، به‌کوشش عبدالحسین نوایی (تهران: پژوهشگاه علوم انسانی، ۱۳۸۳ش)، ۲۶۴/۲؛ احمد بن محمد غفاری کاشانی، تاریخ نگارستان، به تصحیح مرتضی مدرس گیلانی (تهران: کتاب‌فروشی حافظ، ۱۴۱۴ق)، ۲۷۸.

۵. ابن بطوطه، سفرنامه، ۲۵۸، ۲۵۰.

همه، شیراز برای حکومت اهمیت فوق‌العاده‌ای داشت. این شهر هم کانون اداری و سیاسی حاکمیت بود و هم منبع درآمد قابل توجهی داشت که به علت موقعیت ویژه آن در جنوب، درآمد دربار، دیوانیان و نظامیان را تأمین می‌کرد.^۱ مهم‌ترین کار وزیران جمع‌آوری مالیات‌ها و لازمه آن، سرپرستی و مدیریت نظم و امنیت عمومی جامعه بود.^۲ از سوی دیگر، شکل‌گیری لشکرکشی‌ها نه تنها از حیث ساماندهی، بلکه از جنبه حمایت مالی و تدارکاتی مرهون مساعی و اقدامات وزیران بود. اهمیت آنان تا بدان درجه رسید که خود محرک و بانی برخی از تحولات به‌شمار آمدند. قدرت اثرگذاری دیوان‌سالاری فارس در سراسر دوره مغول هرگز تا این اندازه نبوده است.

در دوره حکومت شیخ ابواسحاق اینجو و دیگر افراد خاندان اینجو، فارس قرین نعمت و رونق و ثروت بود و کم یا بیش عصر اتابکان سلغری فارس را تداعی می‌کرد.^۳ در طی سال‌ها برای مدتی کوتاه، حکومت شیخ ابواسحاق در فارس بی‌معارض بود. هم اصفهان به وی اظهار متابعت می‌کرد و هم حاکم جزیره هرمز. تنها نگرانی او مدعی و رقیب‌اش امیر مبارزالدین مظفری بود.^۴ در روزگار شیخ ابواسحاق، دیگر درآمدهای مالیاتی شیراز برای ایلخانان فرستاده نمی‌شد. در این زمان حاجی قوام‌الدین تمغاجی، مأمور جمع‌آوری مالیات شهر، روزی ده هزار دینار به خزانه او تحویل می‌داد.^۵ از سوی دیگر، ابواسحاق با تکیه بر ثروتی که از تمغاها و مالیات ملوک هرمز و غارت یزد و کرمان به دست آورده بود، به شاعرپروری، بنای کاخ‌ها، مساجد و مدارس پرداخت و طلای بسیاری در این راه خرج کرد.^۶ در سایه‌سار چنین آسایش و امنیتی، بسیاری از هنرمندان و شاعران توانستند با فراغت بال و خاطری مطمئن به آفرینش و خلق آثار هنری و شعری بپردازند. حافظ در شعر زیر با اشاره به رونق و آبادی ملک فارس در دوران شاه ابواسحاق، علل این رونق و آبادی را مساعی پنج شخصیت به نام‌های شاه ابواسحاق، شیخ مجدالدین قاضی، امین‌الدین بلیانی کازرونی، عضدالدین ایچی و قوام‌الدین حسن، وزیر آل اینجو، دانسته است:

به عهد سلطنت شاه شیخ ابواسحاق	به پنج شخص عجب ملک فارس بود آباد
نخست پادشهی همجو او ولایت بخش	که جان خویش پیرورد و داد عیش بداد
دگر مربی اسلام شیخ مجدالدین	که قاضی‌ای به از او آسمان ندارد یاد

۱. جان لیبرت، شیراز در روزگار حافظ؛ شکوفایی شهر ایرانی در قرون وسطی، ترجمه همایون صنعتی‌زاده (شیراز: مؤسسه فرهنگی و پژوهشی دانشنامه فارس، ۱۳۸۶ش)، ۱۰۱.

۲. همان، ۹۹.

۳. قاسم غنی، بحث در آثار و افکار و احوال حافظ؛ تاریخ عصر حافظ یا تاریخ فارس و مضافات و ایالات مجاوره در قرن هشتم، مقدمه به قلم محمد قزوینی (تهران: زوّار، ۱۳۸۳ش)، ۱۶۳/۱.

۴. عبدالحسین زرین‌کوب، از کوچه زندان (تهران، سخن، ۱۳۷۴ش)، ۲۸.

۵. همان، ۲۵؛ عبدالرسول خیراندیش، فارسیان در برابر مغولان (تهران: آدابوم، ۱۳۸۸ش)، ۱۷۳.

۶. بحرانی پور، «تأثیر الگوی جامعه‌شناختی سیاسی فارس در سیاست عملی آل اینجو»، ۱۵.

دگر بقیه ابدال شیخ امین‌الدین	که یمن همت او کارهای بسته گشاد
دگر شهششه دانش عضد که در تصنیف	بنای کار موافق به نام شاه نهاد
دگر کریم چو حاجی قوام دریادل	که نام نیک ببرد از جهان به بخشش و داد
نظیر خویش بنگذاشتند و بگذشتند	خدای عزوجل جمله را بیامرزاد ^۱

اشاره حافظ به شخصیت‌های یاد شده حاکی از خبرگی و مدیریت عاملان و عناصر دیوان‌سالار در دوران سلطنت شاه ابواسحاق اینجوست. بنابراین، اهتمام و مساعی دیوان‌سالاری آل اینجو در کنار توجه شاه ابواسحاق اینجو به رفاه و امنیت اجتماعی فارس در بسترسازی برای فعالیت‌های هنری و فرهنگی تأثیر قابل توجهی داشته است.

۲-۲- وزیران و عناصر دیوانی خبره، هنردوست و هنرنواز

یکی دیگر از عوامل رونق و شکوفایی هنری و فرهنگی این دوره را باید در حضور و نقش‌آفرینی وزیران و عناصر دیوانی خبره، هنردوست و هنرنوازی مانند قوام‌الدین حسن و عمادالدین کرمانی جست‌وجو کرد. یکی از وظایف و کارکردهای وزیران ایرانی در طول تاریخ، اهتمام ایشان به آبادسازی مملکت و پیشبرد علم، ادب و هنر بوده است. چنان‌که در اغلب مواقع می‌توان میان اموری چون معماری، اشاعه و ترویج علم و هنر، رونق امور اقتصادی با نهاد وزارت نسبت و پیوند معناداری برقرار کرد. در مواقع بسیاری توجه فرمانروایان به پیشبرد این امور از تأثیر وزیران بر آنان نشأت می‌گرفت. به علت محدودیت زمانی حاکمان عصر و نیز ناپایداری‌های سیاسی زمانه، وزیران فرصت کافی برای ورود به این ساحت‌ها را نداشتند؛ اما آنچه از آنان بر جای مانده ارزشمند و قابل تأمل است.^۲ اینجویان که خود از میان دیوان‌سالاران برخاسته بودند، با تلاش برای کسب پادشاهی، فرصت بیش‌تری برای دیوان‌سالاران ایجاد کردند.^۳ بی‌تردید این مقطع پرتحرک هنری و ادبی، بیش‌تر مرهون مساعی و حمایت‌های خاندان‌ها و نخبگان سیاسی، وزیران فاضل و هنرپرور آنان بود. آنان شاعران و هنرمندان را به مجالس و محافل خود دعوت می‌کردند و ضمن مباحثات هنری و شعری، با دادن عطایا و توجه به امور معیشتی آنان، چراغ ادب و فرهنگ را روشن نگاه می‌داشتند.^۴

۱. حافظ، دیوان، ۳۸۴.

۲. جواد عباسی و فاطمه حاجی‌آبادی، «وزارت در دودمان‌های محلی ایران در قرن هشتم هجری، از زوال ایلخانان تا برآمدن تیموریان»، ایران‌نامه، شماره ۱ (بهار ۱۳۹۵)، ۱۹۳.

۳. خیراندیش، فارسین در برابر مغولان، ۱۷۶.

۴. یکی از آن‌ها وظیفه بود که به عنوان وجوهات و هر نوع پرداختی از جانب حکومت به افراد اشکال مختلفی داشت و تنها به مشاغل دیوانی محدود نبود و افزون بر مأموران دیوانی به شاعران مدیحه‌سرا و حتی مقامات علمی و مذهبی نیز تعلق می‌گرفته است (نک: یزدان فرخی، «تأملی درباره‌ی اشتغال حافظ شیرازی در تشکیلات دیوانی»، مطالعات تاریخ فرهنگی، سال هفتم، شماره ۲۷ (بهار ۱۳۹۵)، ۵۲؛ C.E. Bosworth, *Wazifa EI2* (Leiden: Brill, 2002), 184). امری که حافظ در شعر ذیل نیز به آن توجه کرده است:

قوام‌الدین حسن از این دسته از وزیران عالم، هنرنواز و دانش‌پرور بود. او در رسیدن شیخ ابواسحاق اینجو به حکومت فارس نقش مهمی ایفا کرد. خواجه در زمان محاصره شیراز توسط امیر مبارزالدین محمد وفات کرد. با وفات وی شیخ ابواسحاق اینجو یکی از حامیان روشن‌ضمیر، صادق و مدبر خود در امر حکومت‌داری را از دست داد و کمی بعد حکومتش ساقط شد.^۱ قوام‌الدین حسن همچنین یکی از حامیان و مشوقان بزرگ حافظ بود که در معرفی هنرمندان به دربار سهم مهمی داشت. حافظ در اشعارش از شخصیت وی چنین یاد کرده است:

دریای اخضر فلک و کشتی هلال
هستند غرق نعمت حاجی قوام ما^۲

به رندی شهره شد حافظ میان همدمان لیکن
چه غم دارم که در عالم قوام‌الدین حسن دارم^۳

نکته‌دانی بذله‌گو چون حافظ شیرین سخن
بخشش آموزی جهان‌افروز چون حاجی قوام^۴
چه بسا اگر سخاوت و هنرنوایی کسانی چون خواجه قوام نبود، شاید حافظ، عبید زاکانی و خواجه‌ی کرمانی از حد یک شاعر ساده و معمولی فراتر نمی‌رفتند. البته حافظ خود نیز در شعری به این نکته اشاره کرده است:

گر به دیوان غزل صدرنشینم چه عجب
سال‌ها بندگی صاحب دیوان کردم^۵
دیوان غزل در این جا از منظر خلیل خطیب رهبر همان محفل غزل‌سرایی است.^۶ یعنی اگر در محفل غزل‌سرایی در اوج و پیشگاه قرار دارم جای شگفتی نیست؛ به خاطر این است که سالیان بسیار در خدمت صاحب‌دیوان یا وزیران بزرگ عصر بوده‌ام.

عمادالدین محمود، از دیگر وزرا و شخصیت‌های تاریخی دوران آل‌اینجو، نیز در شکوفایی فرهنگی و هنری این دوره نقش مهمی ایفا کرد. بر پایه منابع تاریخی عمادالدین محمود، وزیر زیرک، با درایت،^۷

وظیفه گر برسد مصرفش گل است و نیبذ

رسید مژده که آمد بهار و سبزه دمید

(حافظ شیرازی، دیوان، ۲۳۹/۲۱۵).

۱. غیاث‌الدین بن همام‌الدین خواندمیر، تاریخ حبیب‌السیور (تهران: خیام، ۱۳۸۰ش)، ۲۶۱.

۲. حافظ، دیوان، ۹۵/۱۱.

۳. همان، ۲۶۴/۳۲۷.

۴. همان، ۲۵۳/۳۰۹.

۵. همان، ۲۵۹/۳۱۹.

۶. شمس‌الدین حافظ، دیوان غزلیات، به‌کوشش خلیل خطیب رهبر (تهران: صفی‌علی‌شاه، ۱۳۸۴ش)، ۴۳۲.

۷. کتبی، تاریخ آل مظفر، ۵۵؛ عبدالرزاق سمرقندی، مطلع السعدین و مجمع البحرین، ۲۵۵/۱؛ خواندمیر، تاریخ حبیب‌السیور، ۲۸۵/۳؛ حافظ ابرو، زیلده-التواریخ، ۲۷۲/۱.

دانش دوست و صلح طلب بود و افزون بر تصدی امر وزارت، در امور نظامی و لشکرکشی نیز خیره و کاردان بوده است.^۱ عمادالدین علی‌رغم اینکه بخش عمده وزارتش در جنگ و سفرهای نظامی گذشت، نسبت به نواختن اهل هنر، برپایی محافل ادبی - که به احتمال زیاد حافظ نیز در آن شرکت می‌کرد - غافل نبود. وی همچنین در انعقاد صلح میان شیخ ابواسحاق اینجو و امیر مبارزالدین محمد نقش بسزایی داشت^۲ و اقدامات بزرگی که در طی دوران وزارتش انجام داد، تدبیر، درایت و دانش او را نشان می‌دهد. حافظ در ابیاتی با اشاره به جایگاه رفیع و برجسته وی، آورده است:

بخواه جام صبوحی به یاد آصف عهد وزیر ملک سلیمان عماد دین محمود
بود که مجلس حافظ به یمن تربیتش هر آنچه می‌طلبد جمله باشدش موجود^۳

چنان‌که گذشت، حافظ از عمادالدین محمود وزیر شاه ابواسحاق اینجو، با عناوین و صفاتی برجسته مانند «آصف عهد» و «وزیر ملک سلیمان» یاد کرده است.

۲-۳- تداوم و استمرار خاندان‌ها و عناصر دیوانی در شیراز

یکی از ویژگی‌های مهم جامعه شیراز تداوم و استمرار خاندان‌های سرشناس و بزرگ این شهر بود. گفتنی است که در دیگر نواحی ایران، ویرانی و آشوب ناشی از هجوم مغول در سده هفتم هجری و نابسامانی‌های بعد از آن، موجب نابودی بسیاری از خاندان‌های نجبا و اشراف و مذهبی بود.

در هجوم مغول، تنها بخش‌هایی از جنوب ایران مانند فارس، آن‌هم بر اثر تدابیر و دوراندیشی‌های سلغریان در امان ماند. ابوبکر سعد بن زنگی با توجه به خطری که از جانب مغولان فارس را تهدید می‌کرد، برادر خود تهمتن را نزد اوکتای قآن فرستاد و داوطلبانه قلمرو خود را مورد حمایت وی قرار داد^۴ و به این ترتیب فارس را از تاخت و تاز مغولان و ویرانی نجات داد. وی شحنگان مغول را در بیرون شیراز مقام می‌داد و اسباب راحتی ایشان را از هر جهت فراهم می‌کرد و عوام را از نزدیکی به ایشان منع می‌کرد.^۵ در چنین سرزمین آبادان و میان چنین مردم ثروتمندی در کنار سرزمین‌های بی‌ثبات و ناامن و مردمان آشفته، البته فرهنگ ایران و طبقات بزرگی از ایرانیان اصیل از گزند حوادث در امان ماندند و فارسین نه تنها تا مدتی از چنین نعمت عظیمی برخوردار شدند، بلکه بسیاری از مردم و بزرگان سرزمین‌های مجاور را نیز در

۱. عبدالله بن لطف‌الله حافظ ابرو، زبدة التواریخ، به تصحیح سیدکمال جوادی (تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰ش)، ۲۶۰/۱؛ کتبی، تاریخ آل-مظفر، ۵۵؛ احمد قاضی تنوی، آصف‌خان قزوینی، تاریخ الفی، به تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد (تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۲ش)، ۴۵۶/۴.

۲. کتبی، تاریخ آل‌مظفر، ۵۵؛ عبدالرزاق سمرقندی، مطلع السعدین و مجمع البحرین، ۲۵۵/۱؛ حافظ ابرو، زبدة التواریخ، ۲۰۱/۱.

۳. حافظ، دیوان، ۲۱۹.

۴. علاءالدین عظاملک جوینی، تاریخ جهانگشا، به تصحیح محمد قزوینی و سیدشاهرخ موسویان (تهران: دستان، ۱۳۸۵ش)، ۱۹۰/۱.

۵. عبدالله بن فضل‌الله و صاف، تاریخ و صاف، تحریر عبدالمحمد آیتی (تهران: پژوهشگاه علوم انسانی، ۱۳۸۳ش)، ۶۹-۶۸؛ اشیپولر، برتولد، تاریخ مغول در ایران: سیاست، حکومت و فرهنگ دوره ایلخانان، ترجمه محمود میرآفتاب (تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۰ش)، ۱۴۵-۱۴۶.

سرزمین‌شان پناه دادند.^۱

بنابراین، علی‌رغم تغییرات سیاسی خشونت‌آمیز، بیش‌تر خاندان‌های اشرافی و معروف شیراز توانسته بودند در قرن‌های هفتم و هشتم هجری نفوذ و ثروت خود را حفظ کنند. چنین ثباتی در چنان دوره‌ای خشونت‌بار از یک‌سو بیانگر انعطاف‌پذیری اشراف شیراز بود و از سوی دیگر، تدبیر فرمانروایان این شهر را نشان می‌داد که با وجود ضعف‌های‌شان، آگاهانه به دنبال حفظ منافع اشراف و به‌طور کلی، آبادی قلمرو خود بودند.^۲ بقا و استمرار خاندان دیوانی شیراز و عناصر آن موجب شد که اینجویان فرصت‌های بهتری برای استفاده از ظرفیت‌های آنان در امر حکومتداری داشته باشند.

۲-۴- پیشینه دیوانی آل‌اینجو و وصلت و معاشرت آنان با خاندان‌ها و عناصر دیوانی

شرف‌الدین محمودشاه اینجو اولین شخصیت دیوانی خاندان اینجو در زمان سلطان ابوسعید ایلخانی (حک : ۷۱۶-۷۳۶ق) منصب اینجو یا اداره املاک خاص سلطانی در فارس را بر عهده داشت.^۳ وی توانست با خبرگی و با اقدامات عام‌المنفعه در فارس، افزون بر رسیدن به ثروتی چشمگیر، در میان مردم رسوخ کند و به چهره‌ای خوشنام در میان اهالی فارس تبدیل شود. قدرت و خوشنامی وی در فارس موجب شد سلطان ابوسعید وی را از منصب عزل کند و شخصی مغولی به نام امیر مظفر ایتاق را به جای وی بگمارد. طبیعی بود که پیشینه، خبرگی و تجربه دیوانی اینجوها و حشر و نشر و وصلت آنان با خاندان و عناصر دیوانی، بر مدیریت سیاسی، فرهنگی و اجتماعی آنان و انتقال این مسؤلیت‌ها به دیوانسالارشان تأثیر قابل‌توجهی گذاشت؛ چنان‌که جلال‌الدین مسعودشاه فرزند شرف‌الدین محمود اینجو دختر خواجه غیاث‌الدین محمد وزیر سلطان ابوسعید ایلخانی و فرزند خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی وزیر بزرگ ایلخان را به همسری برگزید.

خاندان همدانی در پاسداشت و اشاعه فرهنگ و هنر ایرانی و حمایت از شاعران بزرگی مانند سعدی شیرازی نقش مهمی ایفا کردند. در دوره ایلخانان این خاندان به‌ویژه خواجه غیاث‌الدین محمد همدانی به‌خاطر تصدی مسؤلیت‌های مختلف دیوانی نزد مغولان، به نوعی نماینده عنصر مسلمان ایرانی در دستگاه ایلخانان بود. شاهنامه بزرگ ایلخانی یا شاهنامه دموت برای او کتاب‌آرایی شد.^۴

معاشرت و وصلت اینجویان با خاندان رشیدالدین همدانی، موجب شد که آنان نیز به تاسی از این خاندان در پاسداشت فرهنگ و هنر ایرانی سهم شونند؛ چنان‌که سخاوت و بذل و بخشش شاه ابواسحاق

۱. صفا، فیح الله، تاریخ ادبیات در ایران (تهران: فردوسی، ۱۳۷۸ش)، ۳/۱۰۰-۹۹.

۲. لمبیرت، شیراز در روزگار حافظ؛ شکوهمندی شهر ایرانی در قرون وسطی، ۱۶۱.

۳. معین‌الدین نطنزی، منتخب التواریخ معینی، به تصحیح پروین استخری (تهران: اساطیر، ۱۳۸۳ش)، ۱۴۰.

۴. یعقوب آژند، «تعامل فرهنگ‌های ایرانی، اسلامی و ترکی در شیراز سده هشتم و نهم قمری»، تاریخ ایران، شماره ۶۰ (بهار ۱۳۸۸ش)، ۳-۴.

اینجو و توجه وی به هنر و دانش پروری، در کنار دیوانسالاران، در ایجاد زمینه‌ای مناسب برای فعالیت‌های هنری تأثیر بسزایی داشته است. منابع تاریخی وی را سخی‌ترین پادشاه زمان دانسته‌اند. کتبی مورخ دربار آل مظفر درباره ویژگی‌های شاه ابواسحاق - باوجود اینکه دشمن مخدوم او امیر مبارزالدین مظفری بود - آورده است: «به اخلاق از همه مهتر بلکه از اکثر ملوک به کرم ممتاز و صیت مکارمش از آفتاب مشهورتر و همواره ابواب فواید و عوائد بر شریف و دنی و فقیر و غنی گشاده داشت و در آن روزگار، از وی کریم‌تر کس نشان نداده...»^۱. انیس الناس نیز که اثری اندر زنامه‌ای و نوشته یکی از نزدیکان شاه ابواسحاق اینجوست، از کرم و سخاوت وی سخن به میان آورده است.^۲ ابن بطوطه که در زمان شاه ابواسحاق از شیراز دیدن کرده، افزون بر سخاوت و کرم شاه ابواسحاق، از رفاه اجتماعی و رونق اقتصادی این شهر در زمان وی سخن گفته است.^۳ فحوای مطالب یادشده بیانگر بسترسازی مناسب از سوی شاه ابواسحاق و دست‌اندرکاران وی برای فعالیت‌های فرهنگی و هنری در این دوران است.

۲-۵- تساهل شاه ابواسحاق اینجو و نزدیکانش

خاندان اینجو نسب خود را به عارف مشهور خواجه عبدالله انصاری می‌رساندند.^۴ وصیت شرف‌الدین محمودشاه اینجو مبنی بر به خاکسپاری‌اش در کنار آرامگاه شیخ کبیر در شیراز^۵ و انتساب این خاندان به خواجه عبدالله انصاری، حاکی از ارادت آنان به صوفیان و گروه‌های دراویش و همچنین نگاه تسامح‌گونه و ساده‌آنان به باورها و ارزش‌های دینی است. این امر موجب شد که آنان نسبت به رقیب خود آل مظفر از انعطاف بسیار بالایی نسبت به امور مذهبی برخوردار شوند و آزادی‌هایی بیش‌تری را برای دیوانسالاران و ظهور و بروز توانمندی‌های هنرمندان و آفرینش و خلاقیت آنان فراهم سازند.

۲-۶- ایران‌دوستی و باستان‌گرایی ابواسحاق اینجو

باستان‌گرایی و ایران‌دوستی شاه ابواسحاق اینجو و بزرگ‌نمایی عظمت و شوکت ایران قبل از اسلام یکی دیگر از عوامل بسترسازی برای فعالیت‌های تشکیلات دیوانی و رونق فعالیت‌های فرهنگی و هنری در دوران مستعجل این سلسله محلی در فارس بود. برخی از منابع از تصمیم وی مبنی بر ساختن بنایی مانند

۱. کتبی، تاریخ آل مظفر، ۴۱؛ زرین‌کوب، از کوچه زندان، ۱۲.

۲. شجاع، انیس الناس، به‌کوشش ایرج افشار (تهران: نگاه ترجمه و کتاب، ۱۳۵۶ش)، ۳۰۸، ۳۵۷، ۳۶۵.

۳. ابن بطوطه، سفرنامه ابن بطوطه، ترجمه محمدعلی موحد (تهران: آگه، ۱۳۷۶ش)، ۲۵۰، ۲۵۸.

۴. معین‌الدین نطنزی، منتخب‌التواریخ معینی، به‌تصحیح پروین استخری (تهران: اساطیر، ۱۳۸۳ش)، ۱۴۰؛ عبدالحسین زرین‌کوب، از کوچه زندان (تهران:

سخن، ۱۳۷۴ش)، ۱۲؛ ذبیح‌الله صفا، تاریخ ادبیات در ایران، ۱۰۴۶/۳.

۵. نک:

کاخ کسری با مشارکت چشمگیر اهالی این شهر سخن به میان آورده‌اند.^۱ امری که برخی از شاعران این دوره مانند عبید زاکانی نیز در شعرشان به توصیف آن پرداخته و از عظمت و بزرگی این کار تمجید و ستایش کرده‌اند.^۲ هرچند ساختن این بنا با مرگ شاه ابواسحاق و فروپاشی سلسله آل‌اینجو ناتمام ماند؛ با این‌همه، این امر بخشی از فعالیت‌های ایران‌گرایانه وی را در این دوره در معرض دید گذاشت. حمایت و پشتیبانی شاه اینجو از کتاب‌آرایی و تذهیب شاهنامه^۳، انتخاب پیشوند شاه در اول نام خود، اقدام به حک کردن چند کتیبه به سبک پادشاهان ساسانی،^۴ از دیگر اقدامات وی در راستای سیاست ایران‌دوستی و ایران‌گرایی وی بود. از سوی دیگر، مردم فارس و شیراز، از روی بوم‌دوستی سرزمین خود را ملک سلیمان و تختگاه جمشید می‌دانستند؛^۵ امری که حافظ نیز در شعرش به آن توجه کرده است:

محتسب داند که حافظ عاشق است واصف ملک سلیمان نیز هم^۶

نتیجه

نقش و کارکرد دیوان‌سالاری آل‌اینجو در شکوفایی فرهنگی و هنری را باید در اقدامات و مساعی زودبازده آنان از قبیل برپایی نظم و امنیت، رونق دادن به تجارت و ایجاد رفاه معیشتی و اجتماعی و نیز مصون ماندن خاندان‌ها و عناصر دیوانی شیراز در هجوم مغول جست‌وجو کرد. هرچند پیشینه و تجارب دیوانی آل‌اینجو، معاشرت و وصلت آنان با خاندان فاضل و فرهنگ‌دوست رشیدالدین همدانی و به‌طورکلی، همگرایی این خاندان با عناصر دیوانی، در کنار تساهل و تسامح، عدالت و هنردوستی شاه شجاع و نزدیکانش، در کمک-بخشی به فعالیت‌ها و نقش‌آفرینی‌های دیوان‌سالاری آل‌اینجو تأثیر قابل‌توجهی داشته است. همگرایی شاه ابواسحاق اینجو و مادرش تاشی‌خاتون با مواضع هنری و فرهنگی دیوان‌سالاری این دوره را می‌توان در حمایت آنان از هنرمندان و دانشمندان این دوره مشاهده کرد. به‌طوری‌که شاعران و دانشمندان در این فضای ملتهد و آشفته به دربار آنان روی آوردند و از حمایت‌ها و مساعدت‌های مادی و معنوی آنان برخوردار شدند. شاید اگر اقدامات و مساعی دیوان‌سالاری آل‌اینجو و حاکمان و دست‌اندرکاران آن در ساحت

۱. ابن‌بطوطه، سفرنامه، ۲۵۸/۱.

۲. عبید زاکانی، کلیات، با تصحیح، تحقیق و شرح پرویز اتابکی (تهران: زوار، ۱۳۸۷ش)، ۳۴-۳۳.

۳. ا. ت. آدامووا و ل. ت. گیوزالیان، نگاره‌های شاهنامه، ترجمه زهره فیضی (تهران: فرهنگستان هنر، ۱۳۸۶ش)، ۵۴.

۴. علی بحرانی‌پور و سیده زهرا زارعی، «خاستگاه‌های اقتدار و مقبولیت اجتماعی سلسله آل‌اینجو، ۷۵۴-۷۲۵ق»، تاریخ اسلام و ایران، سال بیستم، دوره جدید، شماره ۸ (زمستان ۱۳۸۹)، ۴۰-۳۹.

John Limbert, "shiraz the age of hafez" (London: university of Washington, 2004), 22.

۵. علی بحرانی‌پور، «تأثیر الگوی جامعه‌شناختی سیاسی فارس در سیاست عملی آل‌اینجو»، تاریخ اسلام و ایران، سال بیست و سوم، دوره جدید، شماره ۱۹، پیاپی: ۱۰۹ (پاییز ۱۳۹۲)، ۱۸.

۶. حافظ، دیوان، ۳۶۳.

فرهنگی و هنری این دوره نبود، شاعرانی مانند حافظ، عبید زاکانی و خواجوی کرمانی از یک شاعر ساده و معمولی فراتر نمی رفتند و شکل گیری چنین عصر پرتحرک و درخشانی در حوزه هنر و ادب امکان پذیر نمی شد. بنابراین، تحرک و درخشش چشمگیر فرهنگی و هنری فارس در دوران آل اینجو معلول اقدامات، کارکردها و نقش آفرینی دیوان سالاری این سلسله در کنار حاکمان آن بود.

با غلبه آل مظفر بر آل اینجو و فروپاشی آن به دست امیر مبارزالدین مظفری، عمر این سلسله مستعجل در فارس به سر رسید؛ ولی رویکردها و اقدامات فرهنگی و هنری دیوان سالاران و کنشگران آن چنان ارزشمند و دیرپا بود که افزون بر باقی گذاشتن خاطره ای خوش در اذهان مردم، به ویژه شاعران و هنرمندان، یکی از جاودانه ترین و درخشان ترین ادوار زبان و ادبیات فارسی تاریخ ایران را رقم زد.

فهرست منابع

- آدامووا، ا. ت. و ل. ت. گیوزالیان. نگاره های شاهنامه. ترجمه زهره فیضی. تهران: فرهنگستان هنر، ۱۳۸۶ ش.
- آژند، یعقوب. «تعامل فرهنگ های ایرانی، اسلامی و ترکی در شیراز سده هشتم و نهم قمری». تاریخ ایران، شماره ۵/۶۰ (بهار ۱۳۸۸): ۱۶۱-۱۶۰.
- ابن بطوطه، محمد بن عبدالله. سفرنامه. ترجمه محمد علی موحد. تهران: آگه، ۱۳۷۶ ش.
- اشپولر، برتولد. تاریخ مغول در ایران: سیاست، حکومت و فرهنگ دوره ایلخانان. ترجمه محمود میر آفتاب. تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۰ ش.
- بحرانی پور، علی و سیده زهرا زارعی. «خاستگاه های اقتدار و مقبولیت اجتماعی سلسله آل اینجو، ۷۵۴-۷۲۵ ق». تاریخ اسلام و ایران، سال بیستم، دوره جدید، شماره ۸ (زمستان ۱۳۸۹)، ۲۹-۵۳.
- بحرانی پور، علی. «تأثیر الگوی جامعه شناختی سیاسی فارس در سیاست عملی آل اینجو». تاریخ اسلام و ایران، سال بیست و سوم، دوره جدید، شماره ۱۹ (پاییز ۱۳۹۲): ۵-۳۳.
- تنوی، احمد قاضی و آصف خان قزوینی. تاریخ الفی. به تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد. تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۲ ش.
- جوینی، علاءالدین عطاملک. تاریخ جهانگشا. به تصحیح محمد قزوینی و سیدشاهرخ موسویان. تهران: دستان، ۱۳۸۵ ش.
- حافظ ابرو، عبدالله بن لطف الله. زبدة التواریخ. به تصحیح سیدکمال جوادی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰ ش.
- حافظ، شمس الدین محمد. دیوان حافظ. بر اساس نسخه تصحیح شده غنی و قزوینی. به کوشش رضا کاکائی دهکردی. تهران: ققنوس، ۱۳۹۴ ش.

- حافظ، شمس‌الدین محمد. دیوان غزلیات. به‌کوشش خلیل خطیب رهبر. تهران: صفی‌علیشاه، ۱۳۸۴ ش.
- حسینی‌فسایی، میرزاحسن. فارسنامه ناصری. به‌تصحیح منصور رستگار فسایی. تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۲ ش.
- خیراندیش، عبدالرسول و علی منصوری. «منازعه‌های اجتماعی درون‌شهری شیراز در قرن هشتم و نقش عوامل بیرونی در آن». تاریخ اسلام و ایران، سال بیست و دوم، دوره جدید، شماره ۱۶ (زمستان ۱۳۹۱): ۴۷-۶۲.
- خیراندیش، عبدالرسول. فارسیان در برابر مغولان، تهران: آدابوم، ۱۳۹۴ ش.
- خواندمیر، غیاث‌الدین بن همام‌الدین. تاریخ حبیب‌السير. تهران: خیام، ۱۳۸۰ ش.
- زرکوب شیرازی، احمد بن ابی‌الخیر. شیرازنامه. به‌کوشش اسمعیل واعظ جوادی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۰ ش.
- زرین‌کوب، عبدالحسین. از کوچه‌رندان. تهران: سخن، ۱۳۷۴ ش.
- سمرقندی، کمال‌الدین عبدالرزاق. مطلع السعدین و مجمع البحرین. به‌کوشش عبدالحسین نوایی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی، ۱۳۸۳ ش.
- شبانکاره‌ای، محمد بن علی بن محمد. مجمع‌الانساب. به‌تصحیح میرهاشم محدث. تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۱ ش.
- شجاع، انیس‌الناس. به‌کوشش ایرج افشار. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۶ ش.
- صفا، ذبیح‌الله. تاریخ ادبیات در ایران. تهران: فردوسی، ۱۳۷۸ ش.
- عباسی، جواد و فاطمه حاجی‌آبادی. «وزارت در دودمان‌های محلی ایران در قرن هشتم هجری، از زوال ایلخانان تا برآمدن تیموریان». ایران‌نامه، دوره ۲، سال یکم، شماره ۱ (بهار ۱۳۹۵)، ۱۷۴-۱۹۸.
- عبیدزاکانی، نظام‌الدین. کلیات. با تصحیح، تحقیق و شرح پرویز اتابکی. تهران: زوار، ۱۳۸۷ ش.
- غفاری کاشانی، احمد بن محمد. تاریخ نگارستان. به‌تصحیح مرتضی مدرس گیلانی. تهران: کتاب‌فروشی حافظ، ۱۴۱۴ ق.
- غنی، قاسم. بحث در آثار و افکار و احوال حافظ؛ تاریخ عصر حافظ یا تاریخ فارس و مضافات و ایالات مجاوره در قرن هشتم. با مقدمه محمد قزوینی. تهران: زوار، ۱۳۸۳ ش.
- فرخی، یزدان. «تأملی درباره اشتغال حافظ شیرازی در تشکیلات دیوانی». مطالعات تاریخ فرهنگی، سال هفتم، شماره ۲۷ (بهار ۱۳۹۵)، ۴۵-۶۲.
- کشاوری بیضایی، محمد. «جایگاه خاندان بدرخان شیرازی در تشکیلات دیوانی، امنیتی، و انتظامی حکومت قاجاریه؛ با تأکید بر میرزا عبدالوهاب‌خان آصف‌الدوله شیرازی». مطالعات تاریخ انتظامی، سال پنجم، شماره ۱۶ (بهار ۱۳۹۷): ۱۱۵-۱۳۴.
- کتبی، محمود. تاریخ آل‌مظفر. به‌تصحیح و تحقیق عبدالحسین نوایی. تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۴ ش.
- لیمبرت، جان. شیراز در روزگار حافظ؛ شکوهمندی شهر ایرانی در قرون وسطی. ترجمه همایون صنعتی‌زاده. شیراز: مؤسسه فرهنگی و پژوهشی دانشنامه فارس، ۱۳۸۶ ش.

معتقدی، کیانوش. «شکوه خوشنویسی و تذهیب در مکتب شیراز». در مجموعه مقالات خوشنویسی مکتب شیراز، ۱۱۸-۱۲۵. تهران: فرهنگستان هنر، ۱۳۹۰ ش.

معین‌الدین یزدی، جلال‌الدین محمد. مواهب الهی. به تصحیح و تقدیم سعید نفیسی. تهران: اقبال، ۱۳۲۶ ش.

معین، محمد. فرهنگ فارسی. تهران: اشجع، ۱۳۸۷ ش.

میرخوانده، محمد بن سید برهان‌الدین خواندشاه. روضة الصفا. تهران: خیام، ۱۳۳۹ ش.

نطنزی، معین‌الدین. منتخب التواریخ معینی. به تصحیح پروین استخری. تهران: اساطیر، ۱۳۸۳ ش.

وصاف، عبدالله بن فضل‌الله. تاریخ و صاف. با تحریر عبدالمحمد آیتی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی، ۱۳۸۳ ش.

هاشمی، غلامرضا و علی‌اصغر شیرازی. «تأثیر سنت‌های تصویری ساسانی بر نگارگری مکتب شیراز در عهد آل‌اینجو». مطالعات تطبیقی هنر، سال سوم، شماره ۵ (بهار و تابستان ۱۳۹۲): ۱-۱۶.

هوشیار، مهران و وحیده میرزاخانلو. «ویژگی‌های ساختاری تذهیب قرآن تاشی خاتون». نگره، شماره ۴۰ (زمستان ۱۳۹۵): ۴-۱۵.

Aigle, Denis. *Le Fars sous la domination mongole: politique et fiscalite (XIIIe-XIVe S)*.

Paris: Association pour Lavacement des etudes Iraniennes, 2005.

Avery, Peter. "Foreword: Hafiz of Shiraz" in *Hafiz and the Religion of Love in Classical Persian Poetry*. edited by Leonard Lewisohn. London: I. B, 2010.

Bosworth, C.E. "Wazifa". *EF²*, Leiden: Brill, 2002.

Limbert, John. *shiraz the age of hafez*. London: university of Washington: 2004.